



Research Article

Iran's Pivot to Southeast Asia, 1997-2005: The Iran-ASEAN Corridor and the Defeat of the Sectoral Dialogue Bid

Danial Khataei* 

PhD Student, Faculty of World Economy and International Affairs, Higher School of Economics, Moscow, Russia

Article history:

Received: 22/12/2025

Accepted: 10/06/2026

Abstract

Introduction

The purpose of this article is to examine Iran's strategic turn toward Southeast Asia during the years 1997–2005; a strategic turn that has, over time, been forgotten in the historical memory of Iranian foreign policy. The present study seeks to answer the question of why and how Iran, during this period, attempted to elevate its relations with the member states of the Association of Southeast Asian Nations (ASEAN) from the level of scattered interactions to a more sustained and partially institutionalized presence, and why this process ultimately did not lead to full institutionalization. ASEAN, owing to its central role in the regional architecture of the Asia-Pacific and the growing economic standing of its member states, has become one of the most important regional partners for countries outside Southeast Asia. For this reason, many states seek to develop institutional relations with ASEAN and participate in its affiliated mechanisms. Examining Iran's previous

Please cite this article as:

Khataei, D. (2026). Iran's Pivot to Southeast Asia, 1997-2005: The Iran-ASEAN Corridor and the Defeat of the Sectoral Dialogue Bid. *Journal of Asian Regional Orders Studies*, 3(2) 35-72. doi.org/10.22099/JAROS.2026.55278.1052

* Corresponding author: E-mail address: khataei.academia@gmail.com



Copyright: C 2026 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

experiences in engaging with ASEAN can play an important role in identifying the opportunities, constraints, and institutional requirements necessary for the success of Iran's future efforts to develop relations with this organization.

Methods

This study employs a historical-analytical method and process tracing to examine the evolution of Iran-ASEAN relations and the factors influencing the advances and setbacks in these relations. Data were collected from a wide range of primary and secondary sources. The primary sources include documents of the Ministry of Foreign Affairs of the Islamic Republic of Iran, reports of Iranian diplomatic missions in Southeast Asian countries, documents and reports of the ASEAN Secretariat, and the national archives of countries in the region. Secondary sources include scholarly works, research reports, documents of international organizations, and Persian- and English-language media sources. In order to enhance the reliability of the findings, the data were evaluated through the comparison and cross-verification of different sources.

Findings

In summary, following the start of ASEAN's enlargement process in the early 1990s and the resolution of the Cambodian crisis, Iran capitalized on the emerging opportunity and presented the leaders of Southeast Asian countries with a comprehensive framework for economic cooperation. The principal objective of this framework was to secure a long-term Iranian presence in the development and utilization of energy and transit infrastructure in Southeast Asia. In return, Iran would itself become a gateway through which ASEAN countries could gain easier access to the economies and fossil fuel markets of Central Asia.

The findings of the study indicate that, alongside economic and geopolitical opportunities, a set of institutional and political obstacles—including the consequences of the 1997–1998 Asian Financial Crisis and its impact on domestic instability in regional states, ASEAN's institutional constraints on the admission of new partners, and external pressures associated with U.S. sanctions—contributed to the slowing or suspension of several initiatives. Nevertheless, during this period Iran succeeded in addressing many of the ASEAN leadership's earlier concerns regarding the country. These included reducing concerns about the export of the ideology of the Islamic Revolution, continuing religious activities within frameworks acceptable to ASEAN governments, redefining its policy toward Muslim separatist movements in the region based on the principle of non-

interference, cooperating in the field of counter-narcotics, and emphasizing its commitment to ASEAN's fundamental principles, including respect for national sovereignty and the peaceful settlement of disputes.

Conclusion

The present study argues that the totality of Iran's proposed projects vis-à-vis ASEAN during this period should be viewed as a single strategic-corridor framework. Examining these projects individually and on a country-by-country basis obscures the broader picture and weakens a holistic understanding of the history of Iran–ASEAN relations. A reappraisal of this period demonstrates the complex and long-term effort undertaken by Iran's foreign policy establishment to engage with the growing economic and political potential of East and Southeast Asia. The findings further suggest that Iran's Ministry of Foreign Affairs initiated the process of "Asianization," or the "Look East" policy, in Iranian foreign policy by the late 1990s, with Southeast Asia regarded as an important destination for expanding Iran's engagement with Asia. Had Iran–ASEAN relations not been disrupted by domestic crises within ASEAN member states and, subsequently, by the securitization of the Islamic Republic of Iran's nuclear program, and had the Iran–ASEAN strategic corridor entered its operational phase, it might have attained a strategic significance not substantially less than that of China's Maritime Silk Road.

Keywords: Iran, ASEAN, 'Look to the East' Policy, Asia-Pacific, Southeast Asia.



چرخش ایران به جنوب شرق آسیا در دوره ۱۹۹۷-۲۰۰۵: کریدور ایران-آسه‌آن و ناکامی در شراکت بخشی

دانیال خطائی^{*id}

دانشجوی دکترا، دانشکده اقتصاد و سیاست جهانی، مدرسه عالی اقتصاد، مسکو، روسیه

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

اطلاعات مقاله

چکیده

این مقاله چرخش راهبردی ایران به جنوب شرق آسیا در فاصله سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۵ و تلاش تهران برای ارتقای روابط با اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا (آسه‌آن) را بررسی می‌کند. پرسش اصلی پژوهش آن است که چگونه ایران در این دوره کوشید روابط پراکنده خود با کشورهای منطقه را به حضوری پایدارتر و تا حدی نهادی تبدیل کند و چرا این روند در نهایت به نهاده‌سازی کامل منتهی نشد؟ پژوهش با بهره‌گیری از روش تاریخی-تحلیلی و ردیابی فرایند و با اتکا به اسناد وزارت امور خارجه ایران، گزارش‌های دیپلماتیک، اسناد دبیرخانه آسه‌آن، منابع آرشیوی، مطبوعات و پژوهش‌های علمی انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که ایران در پی پایان بحران کامبوج و گسترش آسه‌آن، مجموعه‌ای از طرح‌های انرژی، حمل‌ونقل، کشتیرانی و سرمایه‌گذاری را در قالب یک چارچوب کریدوری دنبال کرد که هدف آن تثبیت حضور ایران در زیرساخت‌های اقتصادی جنوب شرق آسیا و

استناد به این مقاله:

خطائی، دانیال (۱۴۰۵). چرخش ایران به جنوب شرق آسیا در ۱۹۹۷-۲۰۰۵: کریدور ایران-آسه‌آن و ناکامی در شراکت بخشی. پژوهشنامه نظم‌های منطقه‌ای آسیا. ۳. (۲). ۷۲-۳۵.

* نویسنده مسئول:

E-mail address: khataei.academia@gmail.com



Copyright: C 2026 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

تبدیل ایران به مسیر دسترسی کشورهای آسه‌آن به آسیای مرکزی و قفقاز بود. با این حال، بحران مالی آسیا، محدودیت‌های نهادی آسه‌آن در پذیرش شرکای جدید و فشارهای ناشی از تحریم‌های آمریکا مانع از تحقق کامل این راهبرد شدند. مقاله استدلال می‌کند که این مجموعه ابتکارات را باید نخستین تلاش منسجم ایران برای ایجاد یک «کریدور ایران-آسه‌آن» و یکی از نخستین نمودهای سیاست «نگاه به شرق» در سیاست خارجی جمهوری اسلامی دانست.

واژگان کلیدی: ایران، آسه‌آن، سیاست «نگاه به شرق»، آسیا - اقیانوسیه، آسیای جنوب شرقی.

سرآغاز

برای درک دلایل چرخش راهبردی ایران به آسه‌آن در سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۵، لازم است هم انگیزه‌های طرف ایرانی و هم تمایل آسه‌آن برای بهبود روابط مورد بررسی قرار گیرد. افزون بر این، باید موانع و مسائلی که مانع از گسترش روابط میان دو طرف شده بودند نیز بازخوانی شوند. سال ۱۹۹۷ نقطه آغاز علاقه ایران به آسه‌آن نبود؛ شواهد متعددی نشان می‌دهد که دستگاه سیاست خارجی و مقام‌های ارشد ایران پیش از این تاریخ نیز رویکردی نسبتاً منسجم برای تقویت روابط با آسه‌آن در پیش گرفته بودند. به‌طور خلاصه، آسیای جنوب شرقی به دلایل زیر برای ایران منطقه‌ای مهم تلقی می‌شد:

۱. موقعیت جغرافیایی آن به‌عنوان مسیر دسترسی به بازارهای شرق آسیا؛ ۲. وجود جمعیت‌های بزرگ مسلمان، به‌ویژه در مالزی، اندونزی و برونئی که به‌عنوان کشورهایی با دیدگاه‌های نزدیک به ایران در مسائل جهانی و جنبش عدم تعهد شناخته می‌شدند؛ ۳. برخورداری از بازارهای بزرگ و رو به رشد با ظرفیت قابل‌توجه برای تجارت و سرمایه‌گذاری، به‌ویژه با توجه به آنکه سطح تقاضای مصرف‌کنندگان آسه‌آن عمدتاً متوجه کالاهای بسیار پیشرفته و لوکس نبود و ایران می‌توانست بخشی از تولیدات صنعتی متوسط خود را به این بازارها صادر کند؛ و ۴. وجود پیشینه تاریخی حضور ایرانیان و فارسی‌زبانان در منطقه، به‌ویژه در پادشاهی‌های مالایی و تایلندی پیش از دوره استعمار.

مسئله اصلی پژوهش آن است که چرا ابتکارهای پروژه‌ای ایران، با وجود گسترش تماس‌ها و طرح‌های انرژی و ترانزیتی، به حضور نهادی^۱ در معماری روابط خارجی آسه‌آن، به‌ویژه در قالب شراکت گفت‌وگوی بخشی^۲ منتهی نشد؟ از نظر روشی، پژوهش

1. Institutional presence

2. Sectoral Dialogue Partnership

حاضر با استفاده از روش تاریخی-تحلیلی^۱ و رویکرد ردیابی فرایند^۲، توالی تصمیم‌ها، گفتارهای رسمی و تحول پروژه‌های ایران-آسه‌آن را بازسازی می‌کند. واحد تحلیل، نه یک پروژه منفرد یا کشور خاص، بلکه کل ابتکار کریدوری ایران و تلاش برای ارتقای آن به سطح همکاری نهادی^۳ است. داده‌های این مقاله بر پایه ترکیب منابع اولیه و ثانویه گردآوری شده است؛ ازجمله اسناد وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، مطالب منتشرشده توسط مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی، آرشیوهای در دسترس در اداره کل نگهداری اسناد وزارت امور خارجه، بیانیه‌ها و گزارش‌های دبیرخانه آسه‌آن و نیز مطبوعات و آرشیوهای ملی کشورهای جنوب شرق آسیا و ایران. همچنین از مصاحبه‌ها با دیپلمات‌های سابق، پایان‌نامه‌های دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه و منابع دست‌اول فارسی، انگلیسی و دیگر زبان‌های منطقه‌ای استفاده شده و ادعاهای کلیدی تا حد امکان، از طریق هم‌پوشانی منابع^۴ اعتبارسنجی شده‌اند.

این مقاله، ابتدا پیشینه و زمینه‌های شکل‌گیری رابطه ایران و جنوب شرق آسیا تا ۱۹۹۷ را مرور می‌کند؛ سپس به تبیین چرخش راهبردی ایران به آسه‌آن در فاصله ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۵ و منطق «کریدور ایران-آسه‌آن» می‌پردازد و پروژه‌های کلیدی انرژی، لجستیک و کشتیرانی را به‌عنوان اجزای یک طرح واحد راهبردی تحلیل می‌کند. در ادامه، روند و منطق درخواست «شراکت گفت‌وگوی بخشی» در ۱۹۹۹ و پاسخ محتاطانه آسه‌آن بررسی می‌شود؛ و در پایان، با جمع‌بندی موانع داخلی، نهادی و بیرونی، دلایل ناکامی در نهادینه‌سازی این ابتکار و پیامدهای آن برای مسیر روابط ایران و آسه‌آن نتیجه‌گیری می‌شود.

-
1. Historical-analytical method
 2. Process Tracing
 3. Institutional upgrading
 4. Triangulation

۱. چارچوب مفهومی

این مقاله چرخش ایران به جنوب شرق آسیا را نه صرفاً مجموعه‌ای از تماس‌های دیپلماتیک یا پروژه‌های اقتصادی منفصل، بلکه تلاشی برای کسب و تثبیت جای پای نهادی^۱ در یک بلوک منطقه‌ای نوظهور تفسیر می‌کند. از این منظر، آسه‌آن برای ایران تنها مجموعه‌ای از شرکای دوجانبه^۲ نبوده، بلکه یک بستر سازمانی^۳ به شمار می‌رفت که می‌توانست همکاری‌های اقتصادی و لجستیک ایران با کشورهای منطقه را به سازوکارهای پایدارتر همکاری متصل کند. بر همین اساس، فرضیه پژوهش آن است که افزایش تعاملات ایران با کشورهای آسه‌آن در فاصله ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۵ مجموعه‌ای از اقدامات پراکنده نبود، بلکه اجزای یک راهبرد نسبتاً منسجم برای ایجاد حضور پایدار ایران در شبکه‌های اقتصادی منطقه و سپس ارتقای این حضور به سطح نهادی بود.

برای بررسی این فرضیه، مقاله از مفهوم منطق کریدوری^۴ استفاده می‌کند. کریدور در این پژوهش صرفاً به معنای یک مسیر حمل‌ونقل خطی نیست، بلکه شبکه‌ای از مسیرها، گره‌های لجستیک و صنعتی و پیوندهای اقتصادی است که در کنار یکدیگر امکان شکل‌گیری جریان پایدار کالا و انرژی را فراهم می‌کنند. در این چارچوب، ابتکار ایران دو مؤلفه مکمل داشت: نخست، ایجاد گره‌های دریایی و صنعتی^۵ و پیوندهای پایین‌دستی انرژی^۶ در جنوب شرق آسیا؛ و دوم، معرفی ایران به‌عنوان مسیر زمینی دسترسی^۷ کشورهای آسه‌آن به آسیای مرکزی و قفقاز. بنابراین، پروژه‌های مختلف زمانی می‌توانند بخشی از یک منطق کریدوری تلقی شوند که میان آنها از نظر هدف، کارکرد و جهت‌گیری جغرافیایی نوعی پیوستگی و مکمل‌بودن مشاهده شود.

1. Institutional foothold

2. Bilateral partners

3. Institutional platform

4. Corridor logic

5. Maritime-industrial nodes

6. Downstream linkages

7. Overland access

دو مفهوم دروازه^۱ و حضور ساختاری^۲ نیز برای تحلیل این روند به کار گرفته می‌شوند. دروازه به استفاده از موقعیت جغرافیایی به‌عنوان مزیت ترانزیتی و واسطه اتصال میان بازارها اشاره دارد، در حالی که حضور ساختاری وضعیتی را توصیف می‌کند که در آن روابط از تماس‌ها و توافقات مقطعی فراتر رفته و در شبکه‌ها و سازوکارهای نسبتاً پایدار اقتصادی و نهادی تثبیت شوند. از این منظر، درخواست ایران برای دستیابی به جایگاه شریک گفت‌وگوی بخشی آسه‌آن در سال ۱۹۹۹ به‌عنوان تلاش برای ارتقای نهادی^۳ همکاری‌های موجود بررسی می‌شود.

ارتباط این چارچوب با فرضیه پژوهش از طریق بررسی سه شاخص اصلی سنجیده می‌شود: نخست، میزان مکمل‌بودن پروژه‌ها و ابتکارهای ایران با یکدیگر؛ دوم، وجود یک منطق مشترک در گفتار و سیاست‌گذاری مقام‌های ایرانی درباره نقش ترانزیتی و منطقه‌ای ایران؛ و سوم، تلاش برای پیوند دادن همکاری‌های دوجانبه با سازوکارهای رسمی آسه‌آن. در صورت مشاهده هم‌زمان این عناصر، فرضیه وجود یک طرح پیوسته و کل‌نگر^۴ تقویت می‌شود؛ در مقابل، اگر پروژه‌ها فاقد ارتباط کارکردی و نهادی باشند، تفسیر آنها به‌عنوان یک راهبرد واحد تضعیف خواهد شد.

در عین حال، تحقق این راهبرد تابع سه دسته عامل بود: ظرفیت نهادی^۵ و اولویت‌های داخلی آسه‌آن، محدودیت‌های بیرونی و فشارهای ثالث، و توان دستگاه دیپلماسی ایران برای ایجاد پیوند بوروکراتیک^۶ میان پروژه‌های اقتصادی و مسیرهای رسمی همکاری با آسه‌آن. این چارچوب امکان می‌دهد میان وجود یک راهبرد از یک سو و موفقیت یا ناکامی آن از سوی دیگر تمایز گذاشته شود؛ موضوعی که در بخش‌های بعدی مقاله با اتکا به شواهد تاریخی بررسی می‌شود.

-
1. Gateway
 2. Structural presence
 3. Institutional upgrading
 4. Holistic approach
 5. Institutional capacity
 6. Bureaucratic linkage

۲. پیشینه پژوهش

ادبیات موجود درباره روابط ایران و جنوب شرق آسیا عمدتاً در سه جریان اصلی شکل گرفته است، اما در مجموع با کمبود مطالعات تاریخ‌نگارانه جامع درباره تاریخ روابط ایران-آسه‌آن مواجه است. بخش قابل‌توجهی از پژوهش‌های ایرانی به‌جای بازسازی تاریخی رابطه، بر تحلیل جایگاه آسه‌آن در چارچوب امنیتی هند-اقیانوسیه و نسبت آن با رقابت قدرت‌های بزرگ تمرکز دارد و بیشتر به تبیین رفتار موازنه‌ای و دشواری «حفظ بی‌طرفی» آسه‌آن در برابر چین و ایالات‌متحده می‌پردازد (سازمند و ارغوانی پیرسلامی، ۱۳۹۱؛ قربانی شیخ‌نشین و حداد زند، ۱۴۰۲).

گروهی از پژوهش‌ها بر ابعاد تاریخی-تمدنی و پیوندهای فرهنگی ایران با جهان مالایی تأکید می‌کنند و نقش شبکه‌های تجاری، مهاجرت و مبادلات فرهنگی در انتقال اسلام و عناصر فرهنگ فارسی را برجسته می‌سازند (خوش‌هیکل آزاد، ۱۳۹۷؛ Guillot, 2020). با این حال، این دسته از آثار غالباً به دوره پیشامدرن یا پیوندهای فرهنگی محدود می‌مانند و کمتر به ابتکارهای راهبردی معاصر ایران در چارچوب نهادی آسه‌آن می‌پردازند؛ افزون بر آن، اتکای روش‌شناختی آن‌ها عمدتاً بر منابع ثانویه تاریخی و روایی است و استفاده از منابع آرشیوی و اسناد دیپلماتیک در آن‌ها کم‌رنگ است.

جریان سوم -که از نظر موضوعی به این مقاله نزدیک‌تر است- به بررسی روابط معاصر ایران با کشورهای جنوب شرق آسیا، به‌ویژه در چارچوب سیاست «نگاه به شرق» می‌پردازد (Soltaninejad, 2015؛ Calabrese, 2016؛ Sedgley, 2012). این آثار معمولاً روابط ایران با منطقه را ذیل فشار تحریم‌ها و تلاش تهران برای کاهش انزوای بین‌المللی تحلیل می‌کنند و در برخی موارد، الگوهای «اوج و افول» در تعاملات ایران با جنوب شرق آسیا را به تغییر اولویت‌های سیاست خارجی ایران و فشارهای بیرونی نسبت می‌دهند (Soltaninejad, 2015). با این حال، حتی در این جریان نیز تمرکز غالباً مسئله محور و تحلیلی است و کمتر به بازسازی یک روایت تاریخی کل‌نگر از تعامل

ایران با «آسه‌آن به‌عنوان یک پلتفرم نهادی» یا به ارزیابی مسیرهای نهادی سازی روابط (مانند تلاش برای شراکت بخشی) پرداخته می‌شود. از نظر روشی نیز بیشتر این مطالعات بر داده‌های آماری، منابع ثانویه و اسناد علنی تکیه دارند و بهره‌گیری از آرشیوهای دیپلماتیک، مکاتبات داخلی و مصاحبه‌های نخبگانی محدود است؛ بنابراین، با وجود ارزش تحلیلی این ادبیات، خلأ یک تاریخ‌نگاری جامع و مبتنی بر منابع اولیه درباره روابط ایران و آسه‌آن همچنان پابرجاست؛ خلأیی که این مقاله می‌کوشد آن را در چارچوب یک روایت کل‌نگر و مبتنی بر شواهد پر کند.

۳. روابط ایران و جنوب شرق آسیا تا سال ۱۹۹۷

بر پایه روایت‌ها و اسناد تاریخی، ایرانیان در دوره‌های مختلف تاریخی حضور قابل‌توجهی در جنوب شرق آسیا داشته‌اند و اهمیت اصلی این منطقه برای آنان، قرار گرفتن در مسیر «راه ابریشم دریایی» بوده است. در مورد حضور بلندمدت و سکونت ایرانیان در پادشاهی آیوتایا^۱ (در مرزهای تایلند امروزی) و سلطان‌نشین مالاکا^۲ (در مالزی و اندونزی امروزی) تقریباً اجماع اکادمیک وجود دارد (Choksy & Marcinkowski, 2002; Nematollahi, 2018). با وجود پیشینه روابط تجاری - و در مقاطعی سیاسی - با جنوب شرق آسیا، با سيطرة کامل استعمار اروپایی بر بخش‌های وسیعی از آسیا، حضور چشمگیر ایرانیان در این منطقه رو به افول گذاشت. در دوره پهلوی دوم، با تأسیس سفارتخانه‌ها در برخی کشورهای جنوب شرق آسیا که در بلوک ضد کمونیست قرار داشتند، روابطی حداقلی برقرار شد؛ با این حال، پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز روابط دیپلماتیک ایران با کشورهای جنوب شرق آسیا بلافاصله در سطح سفیران از سر گرفته نشد.

1. Ayutthaya Kingdom
2. Malacca Sultanate

پس از انقلاب اسلامی ایران، سیاست‌گذاران اندونزی و مالزی نسبت به گسترش اسلام سیاسی برآمده از انقلاب ایران نگرانی عمیقی داشتند و کوشیدند از هرگونه سرایت یا «صدور انقلاب» به کشورهای خود جلوگیری کنند (Musa, & Tan 2017; Vltchek, 2009). نگاه آنان به فعالیت‌های تبلیغی مذهب شیعه نیز عمدتاً منفی بود، زیرا آن را بخشی از فرایند گسترش اسلام سیاسی از سوی جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌کردند. در اندونزی، ایدئولوژی «پانچاسیلا»^۱ به‌طور رسمی بر جدایی نسبی دین از سیاست تأکید داشت و بر اصول سکولاریسم سیاسی استوار بود. با وجود تصریح بر تساهل مذهبی در قوانین اساسی این کشورها، فعالیت‌های تبلیغی مرتبط با مذهب شیعه در مقاطعی با محدودیت‌ها و مداخلات دولت‌های اندونزی و مالزی روبه‌رو شد.

با این حال بعد از انقلاب اسلامی، روابط با برخی کشورهای جنوب شرق آسیا برقرار شده بود، ولی محتاطانه و حداقلی. شروع جنگ داخلی کامبوج و درنهایت اشغال کامبوج توسط ویتنام را می‌توان بزرگ‌ترین مانع برقراری روابط راهبردی با جنوب شرق آسیا و آسه‌آن در دهه اول انقلاب اسلامی دانست. جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر شعار «نه شرقی نه غربی» هم مخالف دولت دست‌نشانده ویتنام در کامبوج (با حمایت شوروی) و هم مخالف دولت در تبعید کامبوج (تحت حمایت کشورهای آسه‌آن، به‌خصوص تایلند و اندونزی) بود. هاشمی رفسنجانی (رئیس وقت مجلس شورای اسلامی و امام‌جمعه موقت تهران) در سال ۱۳۶۳ (۱۹۸۴ میلادی) در خطبه نماز جمعه بیست پنجم خرداد، مفصل به شرح وقایع کامبوج و جنایات «خمرهای سرخ»^۲ علیه مردمان کامبوج و به‌خصوص مسلمانان قوم «چامپا»^۳ پرداخت (مرکز اسناد آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، ۱۳۶۳). این خطبه که شاید آن را بتوان طولانی‌ترین سخنرانی یک

1. Pancasila

2. Khmer Rouge

3. Champa or Chams

مقام ارشد جمهوری اسلامی در مورد جنوب شرق آسیا و آسه‌آن خواند یک نقد سیاسی دقیق از واقعیت‌های آن روز آسه‌آن بود.

پس از به قدرت رسیدن خمرهای سرخ در سال ۱۹۷۵، تنها چند سال پس از فروپاشی نظام مشروطه پادشاهی کامبوج در ۱۹۷۰، این رژیم به یکی از بزرگ‌ترین نسل‌کشی‌های تاریخ معاصر جهان دست زد. در طول کمتر از چهار سال، سیاست‌های افراطی و تمامیت‌خواهانه پول پوت^۱ و دیگر رهبران خمر سرخ منجر به مرگ حدود دو میلیون نفر شد. اقدامات خمرهای سرخ شامل اعدام‌های گسترده، ساخت اردوگاه‌های کار اجباری، ایجاد قحطی سازمان‌یافته و نابودی ساختارهای اجتماعی بود. در کنار این کشتار داخلی، تجاوزهای فرامرزی و قتل‌عام روستاییان ویتنامی توسط خمرهای سرخ، ویتنام کمونیست را (که تنها چند سال بود یکپارچه شده بود) بر آن داشت تا به کامبوج حمله کند. ویتنام توانست بخش اعظم خاک کامبوج را اشغال کرده و یک دولت دست‌نشانده را در پنوم‌پن، پایتخت کامبوج، بر سر کار آورد. در همین زمان، به اصرار و فشار مستقیم چین، شاهزاده کامبوجی «سیهانوک»^۲ که در تبعید بود ناگزیر شد با بقایای خمرهای سرخ (همان نیروهایی که به نسل‌کشی مردم کامبوج دست زده بودند) و دیگر گروه‌های پارتیزانی متحد شود. نیروهای این ائتلاف در نزدیکی مرزهای تایلند پناه گرفتند و از حمایت مستقیم بانکوک برخوردار شدند. دولت‌های آسه‌آن که اشغال کامبوج را تهدیدی موجودیتی برای امنیت و انسجام منطقه‌ای خود می‌دیدند، با نگرانی دوگانه‌ای مواجه شدند: از یک‌سو سلطه‌جویی ویتنام مورد حمایت شوروی و از سوی دیگر نقش‌آفرینی چین در حمایت از خمرهای سرخ. از این‌رو، آسه‌آن تلاش کرد تا با موازنه سازی دیپلماتیک و بسیج کردن حمایت بین‌المللی به‌خصوص آمریکا، مانع گسترش هر دو نوع کمونیسم (چه ویتنامی و چه چینی) در جنوب شرق آسیا شود.

1. Pol Pot
2. Sihanouk

در خطبه‌های سال ۱۳۶۳، هاشمی رفسنجانی انتقادهایی جدی به تمام طرف‌های درگیر در بحران کامبوج وارد شد. در وهله نخست، هاشمی رفسنجانی خمرهای سرخ را به دلیل جنایات گسترده‌اش محکوم کرد و در عین حال از آسه‌آن به خاطر حمایت از دولت در تبعید خمرهای سرخ و پافشاری بر ادامه تصرف کرسی کامبوج در سازمان ملل و دیگر نهادهای بین‌المللی توسط خمرهای سرخ، به شدت انتقاد کرد (مرکز اسناد آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، ۱۳۶۳). در وهله دوم، اشغال غیرقانونی کامبوج توسط نیروهای ویتنامی مورد نکوهش قرار گرفت. می‌توان گفت مهم‌ترین نکته در سخنان خطبه هاشمی رفسنجانی این بود که آسه‌آن نه یک اتحادیه مستقل منطقه‌ای، بلکه نهادی گرفتار در منطق جنگ سرد تلقی می‌شد که بقای خود را در گرو همسویی با راهبردهای ایالات متحده در جنوب شرق آسیا می‌دید. در چنین فضایی، شکل‌گیری روابط راهبردی میان جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری انقلابی و ضد استعماری با اتحادیه‌ای که عمیقاً درگیر تنش‌های مابین بلوک شرق و غرب بود، عملاً غیرممکن جلوه می‌کرد. اشغال کامبوج توسط ویتنامی‌ها تا سال ۱۹۸۹ ادامه یافت و گروه‌های کامبوجی، با چند سال تأخیر، در سال ۱۹۹۱ به یک توافق صلح موقت بین خود دست یافتند. می‌توان گفت، این موضوع فرصت ایجاد روابط مابین ایران و کشورهای آسه‌آن را به تأخیر انداخت.

در مجموع در سال‌های نخستین ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی، چهار عامل عمده مانع از شکل‌گیری روابط جدی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای آسه‌آن شدند: نخست، نگاه منفی تهران به حمایت دولت‌های آسه‌آن از «خمرهای سرخ» پس از اشغال کامبوج توسط ویتنام که از منظر ایران جانب‌داری این اتحادیه از یک نیروی جنایت‌کار و غیر مشروع بود؛ دوم تا پیش از ۱۹۹۲ در نگاه طرف ایرانی، آسیای جنوب شرقی نه به عنوان یک پروژه انسجام منطقه‌ای، بلکه بیشتر به مثابه صحنه رقابت قدرت‌های بزرگ (شوروی، چین و آمریکا) تلقی می‌شد؛ افزون بر این، ظرفیت نهادی آسه‌آن برای روابط خارجی مؤثر عملاً تنها از سال ۱۹۹۴ به بعد شکل گرفت؛ سوم،

اولویت دولت رفسنجانی پس از جنگ تحمیلی سازندگی، بازسازی اقتصادی و تعامل با شرکای کلیدی در اروپا، خلیج فارس و شرق آسیا بود؛ اولییتی که منابع دیپلماتیک محدودی را برای گسترش روابط با آسه‌آن باقی می‌گذاشت و چهارم، سیاست خارجی ایران در این مقطع شدیداً تحت تأثیر مسائل امنیتی منطقه‌ای قرار داشت. پیامدهای جنگ خلیج فارس ۱۹۹۰-۱۹۹۱، تلاش برای مهار عراق بعثی، عادی‌سازی روابط با عربستان در ۱۹۹۱ و فرصت‌های نوظهور در قفقاز و آسیای مرکزی، عملاً انرژی و تمرکز دستگاه دیپلماسی را به خود معطوف ساخته بود.

هم‌زمان، تحولات اوایل دهه ۱۹۹۰ و پایان جنگ سرد مسیر تازه‌ای برای تعامل ایران با آسه‌آن گشود: نخست، توافق‌های صلح پاریس ۱۹۹۱ و بازگشت شاهزاده سیهانوک به کامبوج در ۱۹۹۲، شرایطی فراهم کرد که در نهایت در ژوئن ۱۹۹۲ به برقراری روابط دیپلماتیک ایران و کامبوج انجامید. ملاقات هاشمی رفسنجانی با سیهانوک در اجلاس جنبش عدم تعهد در جاکارتا در سپتامبر همان سال (مرکز اسناد آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۱)، نقطه عطفی در این روند بود؛ دوم، گسترش آسه‌آن با ورود ویتنام به‌عنوان عضو ناظر در ۱۹۹۳ و عضویت کامل در ۱۹۹۵، از نگاه تهران نشانه‌گذار این بلوک از رئال‌پلیتیک جنگ سرد و تبدیل‌شدن آن به نهادی کارآمد در امور بین‌الملل تلقی شد (بیگی، ۱۳۷۵: ۲). پیرو آن، هاشمی رفسنجانی از سال ۱۹۹۳ سفرهایی برای تقویت روابط با کشورهای جنوب شرق آسیا آغاز کرد، ازجمله تور سه کشور آسیای جنوب شرقی در ۱۹۹۴ (مرکز اسناد آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، ۱۲ اردیبهشت ۱۳۷۳).

با وجود این تلاش‌ها، به نظر می‌رسد روابط ایران و آسه‌آن در دوره دوم ریاست‌جمهوری هاشمی رفسنجانی (۱۹۹۳-۱۹۹۷) جهش پایداری نیافت. برای اولین بار ایده «همکاری اکو^۱-آسه‌آن» در آن زمان مطرح شد و حتی تماس‌ها و دیدارهایی

میان دبیرخانه‌های دو سازمان برقرار شد، اما عملکرد ضعیف اکو در همگرایی اقتصادی منطقه‌ای مانع از تداوم این رویکرد شد. به علاوه، با توجه به منابع در دسترس، وزارت خارجه ایران در آن سال‌ها هنوز در حال تربیت کادر متخصص در امور جنوب شرق آسیا بود و ظرفیت بوروکراتیک محدود اجازه توسعه همه‌جانبه روابط را نمی‌داد (هاشمی نیک، ۱۳۷۵). در خاطرات هاشمی رفسنجانی ذکر شده است که رهبران ویتنام و اندونزی خواستار سرمایه‌گذاری ایران در کشورهايشان بودند، اما خود ایران نیازمند منابع مالی خارجی بود و میلی به سرمایه‌گذاری در جنوب شرق آسیا نداشت (مرکز اسناد آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، ۲۰ اسفند ۱۳۷۳). در مجموع، دوره دوم رفسنجانی بستر فکری و بوروکراتیک تعامل با جنوب شرق آسیا را آماده ساخت، اما نقطه چرخش واقعی در پی حکم دادگاه میکونوس در ۱۹۹۷، در ماه‌های آخر دولت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی رخ داد که وزارت امور خارجه ایران را به سمت متنوع‌سازی روابط و فعال‌سازی سیاست نگاه به شرق و ذیل آن، «چرخش به آسه‌آن» سوق داد. این فرآیند که اندکی پیش از روی کار آمدن خاتمی آغاز شده بود با ریاست‌جمهوری او رسمیت بیشتری یافت.

۴. چرخش راهبردی ایران به جنوب شرق آسیا (۱۹۹۷-۲۰۰۵)

آغاز چرخش ایران به سوی آسه‌آن بلافاصله پس از رأی دادگاه میکونوس در برلین (۱۰ آوریل ۱۹۹۷) شکل گرفت. تنها سه هفته پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۷۶، علاءالدین بروجردی معاون وقت آسیا-اقیانوسیه وزارت خارجه در دیدار با سفرای پنج کشور آسه‌آن سیاست «در اولویت بودن روابط با آسیا» را اعلام کرد و گفت: «سیاست نگاه به شرق در آینده پررنگ‌تر خواهد شد» و «... اروپا بازنده اصلی این بازی خواهد بود» (Lim, 1997a). یک روز پیش‌تر نیز، وزیر خارجه ایران، علی‌اکبر ولایتی، در یک نشست خبری سه قطب اصلی اقتصادی منطقه را «اکو، سارک و آسه‌آن» نامید و تأکید کرد که تهران از کاهش روابط با اروپا نگرانی ندارد (جمهوری اسلامی،

۱۳۷۶). با توجه به منابع در دسترس نویسنده، سخنان علاءالدین بروجردی نخستین کاربرد آشکار عبارت «نگاه به شرق» در ادبیات رسمی ایران به شمار می‌آید که نشان از عزم جدی برای آغاز یک شراکت گسترده با آسه‌آن می‌داد. وزارت امور خارجه ایران تا میانه دهه ۱۹۹۰ میلادی چشم‌اندازی پیشرفته و حساب‌شده برای توسعه روابط با آسه‌آن تدوین کرده بود. پایان یافتن درگیری آسه‌آن با مسئله کامبوج (و برای مدتی با میانمار)، رسیدگی ایران به برخی نگرانی‌های رهبران آسه‌آن و خروج سفرای اروپایی از تهران پس از رأی دادگاه می‌کونوس (که احتمالاً به اداره کل آسیا - اقیانوسیه وزارت امور خارجه این امکان را داد تا جهت‌گیری تازه سیاست خارجی را آسان‌تر به سطوح بالای حاکمیت ایران ارائه کند)، همگی فضایی مساعد برای اجرای این چشم‌انداز راهبردی ایجاد کردند.

آنچه این پژوهش «چرخش راهبردی به سوی آسه‌آن» می‌نامد، رویکردی راهبردی و جامع توسط دولت ایران با هدف افزایش چشمگیر روابط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با آسه‌آن بود. این چرخش در واقع بخشی از گرایش گسترده‌تر ایران به سمت آسیا به شمار می‌رفت که هم‌زمان تعامل با چین، ژاپن و در مرتبه‌ای پایین‌تر کره جنوبی را نیز در برمی‌گرفت. کلیت ایده «آسیایی شدن» در گفتمان‌های پیش از سال ۱۹۹۷ نیز در وزارت امور خارجه ایران قابل مشاهده است. با روی کار آمدن دولت خاتمی، تغییرات مهمی در سیاست وزارت خارجه نسبت به آسه‌آن رخ نداده و رویه کلی بر همان منوال ادامه یافت. بدین ترتیب، طرح‌های همکاری ایران با آسه‌آن از سال ۱۹۹۷ به بعد با انسجام بیشتری پیگیری شد و وزارت خارجه موفق شد از تغییر دولت برای تقویت ابتکارهای آسیایی خود استفاده کند.

دستورکار انرژی و زیرساختی ایران در آسیای جنوب شرقی را نباید به‌عنوان دو مسیر مجزا، بلکه باید به‌مثابه یک سیاست واحد و یکپارچه درک کرد. از منابع و شواهد موجود می‌توان استنباط کرد که اصلی‌ترین راهبرد ایران ایجاد زنجیره‌ای از گره‌های لجستیک-صنعتی بود که در امتداد شاهراه‌های اصلی دریایی، یعنی مسیرهایی که

هیدروکربن‌ها و کالاهای ایرانی را از تنگه مالاکا به دریای چین جنوبی منتقل می‌کردند، جانمایی می‌شدند. این گره‌ها به صورت ترکیبی از دارایی‌های بندری-که از طریق تملک سهام یا مشارکت در کنسرسیوم‌های بهره‌برداری به دست می‌آمدند- و تأسیسات صنعتی پایین‌دستی مرتبط با زنجیره ارزش انرژی ایران طراحی شده بودند. در مجموع، هدف این راهبرد این بود که این زنجیره از کشتیرانی ایران پشتیبانی کند، هزینه‌های مبادله و جابه‌جایی مواد و کالاها را کاهش دهد و نقاطی ثابت برای تحلیه، ذخیره‌سازی و ترانزیت کالا ایجاد کند. در بُعد صنعتی، ایران پالایشگاه‌های پتروشیمی و تأسیسات فرآوری مرتبط را در نظر داشت تا سهم بیشتری از فعالیت‌های ارزش‌افزوده را به نزدیکی مراکز تقاضای آسیای جنوب شرقی منتقل کند. این پروژه‌ها با هدف گسترش صادرات محصولات صنایع پایین‌دستی پتروشیمی ایران و ایجاد روابط تجاری بلندمدت با شرکای آسه‌آن برای فروش و تأمین مستمر محصولات پتروشیمی طراحی شده بودند. دولت ایران برای متقاعد کردن سیاستمداران کشورهای آسه‌آن برای به نتیجه رساندن راهبرد انرژی دریامحور خود به آنان طرح یک کریدور زمینی را ارائه کرد. یک کریدور زمینی امن برای عبور کالاهای آسیای جنوب شرقی به سوی آسیای مرکزی و صادرات انرژی آسیای مرکزی به آسیای جنوب شرقی. مسیری که از جنوب و جنوب شرقی ایران (بندرعباس و چابهار) و شمال شرق ایران عبور می‌کرد. این طراحی دوکریدوری—ادغام دریایی در آسیای جنوب شرقی همراه با دسترسی قاره‌ای به بازار کالا و انرژی آسیای مرکزی—به‌عنوان معامله‌ای برد-برد به آسه‌آن ارائه شد.

تکرارشونده‌ترین واژه در بیانیه‌های عمومی مقام‌های ایران و کشورهای آسه‌آن در آن دوره، واژه « دروازه»^۱ بود. مقام‌های ایرانی بارها کوشیدند به رهبران آسه‌آن اطمینان دهند که ایران ارزان‌ترین و امن‌ترین مسیر زمینی برای دسترسی به بازارهای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع^۲ و آسیای غربی است. هم‌زمان، اکثریت دولت‌های آسه‌آن نیز

1. Gateway

2. Commonwealth of Independent States

تلاش می‌کردند خود را بهترین نقطه ورود ایران به بازارهای منطقه معرفی کنند. برای تأیید این نکته، می‌توان به چند نمونه اشاره کرد. رامین مهمان‌پرست، سفیر وقت ایران در تایلند، در سال ۱۹۹۷ گفت: [ایران] رابطه‌ای ویژه با تایلند دارد و این پادشاهی را دروازه‌ای به سایر بازارهای آسه‌آن می‌داند (The Nation, 1997). در همان سال، معاون وزیر تجارت مالزی از «جامعه تجاری ایران» خواست مالزی را «دروازه‌ای به آسه‌آن» تلقی کند (Lim, 1997b). در مقابل، سفرای ایران در گفت‌وگو با تاجران و سیاستمداران کشورهای آسه‌آن استدلال می‌کردند که «ایران تنها دروازه به بازارهای بزرگ بالقوه آسیای مرکزی است» (Fereydoun, 2000).

سید محمد خاتمی در سخنرانی سال ۲۰۰۲ خود در جمع بازرگانان مالزیایی در کوالالامپور اظهار داشت: ایران از موقعیت ژئوپلیتیکی ویژه‌ای برخوردار است و با پانزده کشور در مناطق حساس و راهبردی خاورمیانه و خلیج فارس هم‌مرز است. ایران نه تنها راهی است که اروپا را به شبه‌قاره هند متصل می‌کند، بلکه اقتصادی‌ترین و کوتاه‌ترین مسیر به آسیای مرکزی و قفقاز نیز به شمار می‌رود. ایده احیای جاده ابریشم—که زمانی امن‌ترین و کوتاه‌ترین مسیر تجاری جهان باستان بود—ما را بر آن داشته است تا این شاهراه حیاتی تجاری را بازسازی کنیم. امیدواریم با بهره‌گیری از مدرن‌ترین ابزارهای ارتباطی و تجهیز این مسیر به پیشرفته‌ترین امکانات، بار دیگر جایگاه ایران را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین کشورهای منطقه برای توسعه تجارت و صنعت احیا کنیم (BBC Monitoring Middle East 2002).

باید تأکید کرد که بحث‌های مربوط به احیای جاده ابریشم یا راهبرد گسترده‌تر کریدور سازی ایران، منحصر به تعامل با کشورهای آسیای جنوب شرقی نبود و در دیپلماسی ایران با دیگر مناطق نیز تکرار می‌شد. بدیهی است آسیای مرکزی—که توسط دولت ایران به‌عنوان بازاری مهم به رهبران آسه‌آن معرفی می‌شد—یکی از کانون‌های اصلی گفت‌وگوهای خارجی ایران درباره کریدورسازی بود؛ به‌گونه‌ای که خاتمی در جریان سفر خود به آسیای مرکزی در سال ۲۰۰۲ بر پیشبرد کریدور انرژی

آسیای مرکزی-ایران تأکید کرد (Recknagel, 2002). به همین ترتیب، در سفر رسمی خاتمی به چین در همان سال، دو طرف بر تعهد به احیای جاده ابریشم و پروژه‌های حمل‌ونقلی تأکید کردند (Ministry of Foreign Affairs of the People's Republic of China, 2002) به‌طور کلی، می‌توان استدلال کرد که دولت ایران در این دوره مشتاق بود خود را به‌عنوان یک گره مهم و امن انرژی و حمل‌ونقل در اوراسیا معرفی کند.

معماری کلی طرح کریدورسازی ایران به سرعت به مجموعه‌ای از پروژه‌ها در ایران و آسیای جنوب شرقی تبدیل شد. مالزی -مهم‌ترین عضو کریدور دریایی- با تملک حدود ۳۰ درصد از سهام توسعه پروژه فراساحلی سیری توسط شرکت ملی نفت پتروناس مالزی، درست در زمانی که شرکت‌های بزرگ غربی تحت قراردادهای بای‌بک به ایران بازمی‌گشتند، وارد صنایع پتروشیمی بالادستی ایران شد. قرارداد پروژه فاز ۲ و ۳ پارس جنوبی (با همکاری مشترک توتال فرانسه، گازپروم روسیه و پتروناس مالزی) یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های آغازشده در دوره نخست دولت خاتمی بود و ارزشی در حدود ۲ میلیارد دلار داشت (Baharuddin, 1997).

هم‌زمان پروژه‌های زیربنایی و لجستیکی دیگری برای متصل سازی میعانات ایرانی خلیج فارس به خشکی ایجاد شد. یک خط لوله گاز ۱۴۰ کیلومتری ساخته‌شده توسط یک شرکت تایلندی، پارس جنوبی را به تأسیسات گازی کیش متصل کرد (Oil Daily, 2004). پس از آن، خط اصلی انتقال آب بندرعباس-قشم توسط یک شرکت تایلندی دیگر احداث شد (Oil Daily, 2004). یک پارک لجستیک در بندرعباس، واقع در منطقه ویژه اقتصادی شهید رجایی، در پی مجموعه‌ای از توافقات با اداره بندر کلانگ مالزی طی سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۰ (با امکان مشارکت تا سقف ۴۹ درصد سهام) توسعه یافت. این طرح به‌عنوان مجموعه‌ای ۲۱ هکتاری با سرمایه‌گذاری ۵۰ میلیون رینگت مالزی برای انجام فعالیت‌هایی چون بسته‌بندی ارزش‌افزوده، انبارداری و صنایع میانی برنامه‌ریزی شد و به‌عنوان همتای ایرانی پارک توزیع بندر کلانگ مالزی در نظر گرفته می‌شد (Durairaj, 2000).

در تایلند، پس از رفت و آمدهای دیپلماتیک در سطح عالی در اواخر سال ۱۹۹۸، تهران و بانکوک پیگیری طرحی برای سرمایه‌گذاری مشترک در ساخت یک پالایشگاه در جنوب تایلند را در دستور کار قرار دادند. بر اساس گزارش‌های موجود، تیم‌های کارشناسی دو طرف بر روی طرح ساختی با ظرفیت حدود ۲۰۰ هزار بشکه در روز کار می‌کردند؛ پالایشگاهی که قرار بود فرآورده‌های نفتی را به «خاور دور» عرضه کند. هم‌زمان، امکان احداث یک کارخانه کود شیمیایی با مشارکت طرف تایلندی در ایران نیز مطرح بود (Tehran Times, 1998). از منظر منطق کریدوری، این مجموعه پروژه‌ها با نزدیک کردن ظرفیت پالایشی به مراکز تقاضای جنوب شرق آسیا، پیوندی بلندمدت میان بازار مصرف منطقه و خوراک ایرانی ایجاد می‌کردند. با این حال، ابتکارهای یادشده در تایلند - با وجود رسیدن به سطح بررسی‌های کارشناسی و صدور اعلامیه‌های اولیه درباره مذاکرات سرمایه‌گذاری مشترک - بنا بر اسناد در دسترس، به مرحله تصمیم نهایی و تعهد سرمایه‌گذاری نرسیدند.

در اندونزی، طرح همکاری با ایران برای ساخت یک پالایشگاه در بانتن - که نخست در اواخر دهه ۱۹۹۰ مطرح شد و حدود سال ۲۰۱۰ دوباره احیا شد (OANA News, 2009) - بازتاب تلاش جاکارتا برای کاهش وابستگی به واردات فرآورده‌های نفتی و تثبیت ظرفیت ارزش‌افزوده در جزیره جاوه بود. از منظر ایران، بانتن به‌عنوان ستون مکمل در چارچوب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دوسویه دیده می‌شد؛ پروژه‌ای که می‌توانست اندونزی را به‌مثابه یک «گره» پایین‌دستی در منطق کریدوری جای دهد. با این حال، بی‌ثباتی‌های سیاسی داخلی در اندونزی، رقابت سایر سرمایه‌گذاران و محدودیت‌های تأمین مالی مرتبط با تحریم‌ها باعث شد طرح از سطح احیای ایده و بحث‌های اولیه فراتر نرود.

در فیلیپین، طرحی به ابتکار رهبر وقت جنبش مسلمانان مورو و فرماندار وقت منطقه خودمختار مسلمان‌نشین میندائو^۱، نور میسوری^۲، برای ساخت پالایشگاهی ایرانی با ظرفیت تقریبی ۱۵۰ هزار بشکه در روز و هزینه برآوردی حدود میلیارد دلار مطرح شد (Asian Wall Street Journal, 1997). منطق لجستیکی طرح بهره‌گیری از بندر آب عمیق ایلینگان^۳ و موقعیت آن در مجاورت مسیرهای کشتیرانی میان جزیره‌ای بود؛ به‌گونه‌ای که ایلینگان بتواند به مرکز توزیع فرآورده‌های نفتی در پهنه و سیاستساز-میندائو^۴ تبدیل شود. از منظر سیاسی نیز، پیشبرد این همکاری از مسیر یک منطقه خودمختار مسلمان -و نه صرفاً از کانال دولت مرکزی- نشان می‌داد تهران آمادگی دارد از ظرفیت‌های حکمرانی غیرمتمرکز برای تثبیت حضور و ایجاد جای پا در جنوب فیلیپین بهره بگیرد.

کامیابی بُعد دریایی کریدور ایران-آسه‌آن تا حد زیادی به عملکرد شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران وابسته بود. با راه‌اندازی سرویس منظم هفتگی این شرکت در سال ۲۰۰۰، یک چرخه پایدار شکل گرفت که بندرعباس و بندر امام خمینی را به بندر کلانگ (وست‌پورت) و از آنجا به هنگ‌کنگ، کاتوئیونگ، اینچئون و سنگاپور وصل می‌کرد و در کنار آن، از طریق خطوط فیدری، ارتباط با اندونزی و ویتنام نیز برقرار می‌شد (Durairaj, 2000). این خط با ناوگانی حدود هشت فروند کشتی در کلاسی نزدیک به ۵۰۰ TEU فعالیت می‌کرد؛ ظرفیتی که هرچند در مقیاس جهانی کوچک بود، اما برای حفظ «ریتم» عملیاتی و تداوم سرویس کفایت داشت. درنتیجه، بندر کلانگ به

-
1. Autonomous Region in Muslim Mindanao
 2. Nur Misuari
 3. Iligan
 4. Visayas-Mindanao

گره اصلی ترانشیپمنت^۱ و بازتوزیع تبدیل شد و صادرات خلیج فارس را به شبکه‌های حمل‌ونقل و توزیع درون آسه‌آن پیوند زد.

در کنار پروژه‌های انرژی و حمل‌ونقل، چند مسیر همکاری در حوزه‌های غیر انرژی هم دنبال شد که عملاً روابط ایران و آسه‌آن از یک همکاری تک‌محوری بیرون می‌آورد و آن را به مجموعه‌ای از منافع مشترک در چندین حوزه اقتصادی گره می‌زد. برای نمونه، در تفاهم‌نامه‌های سال‌های ۱۹۹۶-۱۹۹۷ میان اتاق بازرگانی و صنعت مالزی و اتاق بازرگانی ایران، دو کشور برای صادرات سیمان ایران به مالزی به توافق رسیدند و سایر زمینه‌های سرمایه‌گذاری مشترک را مورد بحث قرار دادند. در همین چارچوب، ایده تهاتر کشاورزی با مالزی و تایلند -ازجمله «نفت در برابر برنج، روغن پالم و کائوچو»- مطرح شد تا اتکا به دلار کمتر شود و جریان مبادلات ثابت بیشتری پیدا کند (Xinhua News Agency, 2000). در کنار این‌ها، چند توافق اولیه در حوزه ماهواره و مخابرات با تایلند نیز نشان می‌دهد که همکاری تکنولوژیک -هرچند محدود- به تدریج در کنار انرژی و لجستیک در حال توسعه بوده است (BBC Monitoring Middle East, 1999).

هم‌زمان، دستگاه دیپلماسی تلاش می‌کرد برای این بسته همکاری، پشتوانه جدی سیاسی فراهم سازد. سفارتخانه‌ها در پی ایجاد روابط گرم با سیاستمداران اصلی جوامع جنوب شرق آسیا بودند. از تقویت ارتباط دوستانه با دربار تایلند گرفته تا حمایت مداوم از سیهانوک و حفظ رابطه نزدیک با ماهاتیر محمد. دستگاه دیپلماسی در سازمان‌های بین‌المللی نیز برای ارتقا روابط با کشورهای آسه‌آن فعال بود؛ به‌طور مثال لابی ایران برای سوپاچای پانیتچپاکدی^۲ در رقابت مدیرکلی سازمان تجارت جهانی^۳

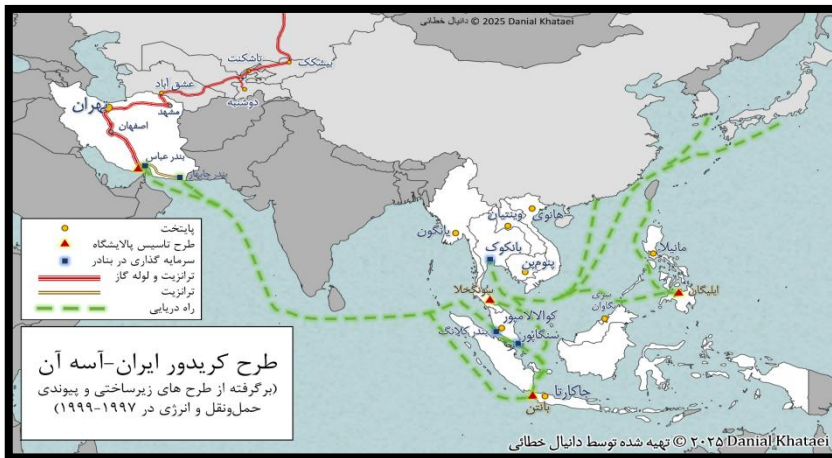
۱. ترانشیپمنت (Transshipment): انتقال کالا یا محموله از یک وسیله یا مسیر حمل‌ونقل به وسیله یا مسیر دیگری در یک نقطه واسطه، پیش از رسیدن به مقصد نهایی.

2. Supachai Panitchpakdi

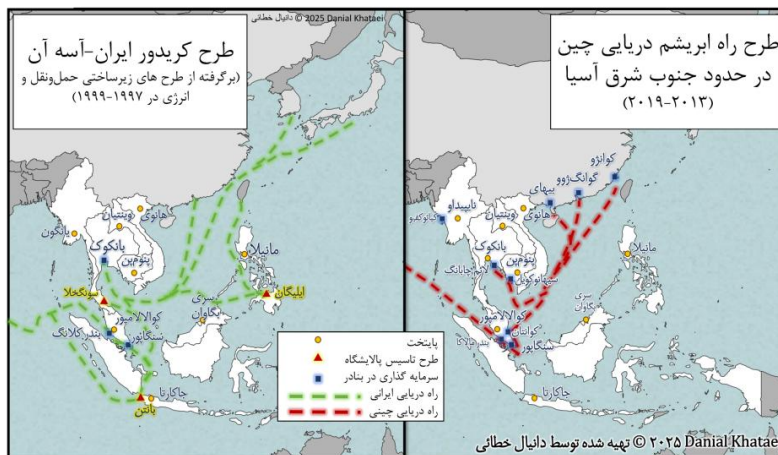
3. Director-General of the World Trade Organization

(مهمان‌پرست و خلیلی پالندی، ۱۳۹۹). در عین حال کم‌رنگ شدن برخی مواضع انتقادی در درون آسه‌آن نسبت به ایران و همسویی تهران با تأکید آسه‌آن بر اصل حاکمیت در پرونده میانمار به نظر می‌رسد به ارتقا اعتبار طرف ایرانی در منظومه فکری رهبران آسه‌آن کمک کرده بود.

پس از قرارداد کنسرسیوم توتال-گازپروم-پتروناس در سال ۱۹۹۷، ایالات متحده فشار سیاسی قابل توجهی بر مالزی وارد کرد و استدلال کرد که این توافق مشمول تحریم‌های تعیین شده توسط قانون تحریم‌های ایران و لیبی کنگره آمریکا است (Baharuddin, 1997). در ادامه، تنش آشکار میان نخست‌وزیر مالزی ماهاتیر محمد و وزیر خارجه آمریکا مادلین آلبرایت شکل گرفت. دولت مالزی تحریم‌های ثانویه آمریکا را مصداق «نفوذ نامشروع خارجی» خواند و از تداوم مشارکت پتروناس در پروژه پشتیبانی کرد (Baharuddin, 1997). پس از حدود یک سال کشمکش سیاسی علنی، در ماه مه ۱۹۹۸ اتحادیه اروپا و ایالات متحده به تفاهمی رسیدند که بر اساس آن، کنسرسیوم میدان پارس جنوبی از تحریم‌های آمریکا معاف شد (Reuters, 1998). اما همه پروژه‌های آسه‌آن در ایران از تحریم‌های آمریکا جان سالم به در نبردند. مادلین آلبرایت، وزیر خارجه آمریکا، در مه ۱۹۹۸ اظهار داشت: «اگرچه در توقف معامله پارس جنوبی ناموفق بودیم، تلاش‌های ما برای منصرف کردن شرکت اندونزیایی باکری از پیشبرد توسعه میدان نفتی بلال، در تصمیم باکری برای عقب‌نشینی تأثیرگذار بود، هرچند تأثیر بحران مالی آسیا نیز مهم بود (Albright, 1998). در بدنه منابع بررسی شده، به جز مواردی از بازصادرات قطعات تسلیحاتی آمریکایی به ایران از طریق واسطه‌های آسه‌آن، نمونه مهم دیگری از نظارت نزدیک آمریکا بر روابط ایران-آسه‌آن مشاهده نمی‌شود. در مجموع، مهم‌ترین منبع فشار ایالات متحده بر روابط ایران و آسه‌آن در آن دوره همان لایحه تحریم ایران و لیبی^۱ بوده است.



نقشه ۱: طرح کریدور ایران-آسه‌آن



نقشه ۲: طرح کریدور ایران-آسه‌آن در مقایسه با طرح راه ابریشم دریایی چین در حدود جنوب شرق آسیا

۵. درخواست «شراکت گفت‌وگوی بخشی»^۱

در هشت ژوئن ۱۹۹۹ ایران رسماً درخواست خود برای دستیابی به جایگاه «شریک گفت‌وگوی بخشی» آسه‌آن را به رئیس کمیته مرکزی آسه‌آن، وزیر امور خارجه سنگاپور، اس. جایاکومار^۲ ارائه کرد (ASEAN Secretariat, 1999). این سطح از همکاری در معماری روابط خارجی آسه‌آن به معنای حضور ساختاری در کارگروه‌های فنی (مانند انرژی، حمل‌ونقل، تسهیل تجارت) است، بدون آنکه تعهدات یا وزن سیاسی یک شراکت کامل را دربر گیرد. می‌توان گفت، این درخواست نقطه اوج نخستین چرخش ایران به سوی آسه‌آن بود؛ ابزاری برای تثبیت طرح‌های ایران در حوزه انرژی، لجستیک و سرمایه‌گذاری و ایجاد کانال‌های ارتباطی بوروکراتیک پایدار برای تسهیل پیشرفت پروژه‌ها. ایران در متن درخواست خود به امضای وزیر امور خارجه وقت، کمال خرازی، بر این استدلال تأکید داشت که می‌تواند بخشی از نیاز انرژی آسه‌آن را تأمین کرده و ظرفیت اجرای پروژه‌های مشترک در نفت و پتروشیمی را دارد و شبکه حمل‌ونقل آن می‌تواند کربدوری برای کالاهای آسه‌آن به آسیای مرکزی باشد (ASEAN Secretariat, 1999).

پاسخ آسه‌آن به درخواست ایران محتاطانه بود. در پنجمین نشست سی و دومین کمیته دائمی آسه‌آن (در بالی، ۱۴ تا ۱۶ ژوئن ۱۹۹۹) کمیته دائمی دریافت نامه ایران را تأیید کرد اما یادآور شد که سازمان به دلیل «تعلیق موقت گسترش روابط خارجی»^۳ تا ژوئیه ۲۰۰۰ از پذیرش هرگونه شریک جدید خودداری می‌کند (ASEAN Secretariat, 1999). دلیل اصلی این وقفه به پیامدهای بحران مالی آسیا (۱۹۹۷-۱۹۹۸) بازمی‌گشت: کاهش تولید، فشار مالی و تمرکز دولت‌ها بر شرایط داخلی موجب شد آسه‌آن ترجیح دهد تعهدات موجود با شرکای خارجی خود را تحکیم بخشیده و منابع محدود خود را

-
1. Sectoral Dialogue Partnership
 2. S. Jayakumar
 3. Moratorium on New Partnerships

صرف مدیریت بحران اقتصادی در جنوب شرق آسیا کند. هم‌زمان، ظهور قالب‌های تازه همکاری مانند «آسه‌آن+۳» انرژی سیاسی و نهادی دبیرخانه آسه‌آن را به سمت حکمرانی مالی منطقه‌ای کشاند (Ang, 2019: 69-71). در چنین فضایی، امکان پذیرش شریکی جدید برای آسه‌آن وجود نداشت؛ بنابراین درخواست ایران به‌جای رد شدن، به حالت تعلیق درآمد تا پس از بازبینی ساختاری دوباره بررسی شود. تعلیق موقت گسترش روابط خارجی تا سال ۲۰۱۴ ادامه پیدا کرد.

سؤال مهم این است که چرا ایران در اوج بحران مالی آسیا چنین درخواستی را به آسه‌آن مطرح کرد؟ پاسخی قطعی به این سؤال در منابع موجود دیده نمی‌شود، اما احتمال دارد تهران بحران مالی آسیا را فرصتی برای پر کردن خلأ ناشی از عقب‌نشینی غرب و ژاپن از بازار آسه‌آن دید. با وجود محدودیت مالی و تحریم‌ها، ایران احتمالاً این درخواست را نه به‌عنوان تعهدی فوری بلکه به‌عنوان ابزاری کم‌هزینه برای تضمین موقعیت بلندمدت خود تلقی می‌کرد. علاوه بر این، سابقه پاکستان در کسب جایگاه مشابه در ۱۹۹۳، بدون داشتن سابقه شراکت اقتصادی گسترده با آسه‌آن، شاید توانسته بود وزارت خارجه ایران را متقاعد کند که مسیر شراکت با آسه‌آن هنوز باز است (نصیری، ۱۳۷۵: ۲). بدین ترتیب، درخواست ۱۹۹۹ را می‌توان بیشتر به‌عنوان یک «سرمایه‌گذاری نهادی» دید: تلاشی برای نهادینه کردن روابط نوپا ایران و آسه‌آن و آماده‌سازی برای دوره پسا بحران، حتی اگر همکاری‌های دوجانبه هنوز در مراحل اولیه خود بودند.

میان سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ روابط ایران و آسه‌آن وارد مرحله‌ای شد که بیش از آنکه بر ابتکارات بزرگ دیپلماتیک (مانند درخواست ۱۹۹۹ برای شراکت بخشی) متکی باشد، بر تحکیم و گسترش پروژه‌های اقتصادی در حال اجرا تمرکز داشت. تهران متوجه شد که بحران مالی آسیا ظرفیت نهادی آسه‌آن را برای پذیرش شرکای جدید محدود کرده است، اما در عوض راهبردی بلندمدت را دنبال کرد: تعمیق حضور در شبکه‌های اقتصادی جنوب شرق آسیا با این امید که در آینده و پس از ثبات شرایط،

زمینه برای درخواست دوباره شراکت فراهم شود. در این دوره، خطوط کشتیرانی ایران از طریق پورت کلانگ و سنگاپور تثبیت شد (Durairaj, 2000). پروژه‌های زیرساختی در قشم و بندرعباس با مشارکت مهندسان مالزیایی پیش رفت و مبادلات کالایی (انرژی در برابر روغن پالم و برنج) با مالزی و اندونزی شکل گرفت (Ashayagachat, 2002). هم‌زمان، ادامه سرمایه‌گذاری پتروناس در سیری و پارس جنوبی پیوندی پایدار و جدی میان ایران و مالزی برقرار ساخت.

هیئت‌های تجاری ایران در سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳ به مالزی، تایلند و اندونزی سفر و تفاهم‌نامه‌هایی میان اتاق‌های بازرگانی امضا کردند. نمایشگاه‌های مشترک و نشست‌های اقتصادی جدیت ایران برای افزایش روابط با آسه‌آن را نشان می‌داد. در همین راستا، ایران پیشنهادهایی برای ایجاد پایانه‌های پتروشیمی و مراکز ذخیره‌سازی در مالزی و اندونزی مطرح کرد و گفت‌وگوهایی با اندونزی درباره پالایشگاه و صادرات LNG در جریان بود. این تلاش‌ها نشان داد که پایتخت‌های جنوب شرق آسیا ایران را به‌عنوان شریک بالقوه انرژی خود می‌دید، هرچند شرایط اقتصادی و سیاسی مانع سرمایه‌گذاری نهایی می‌شد.

دیپلماسی ایران در این دوره به حوزه‌های قدرت نرم نیز گسترش یافت. توافقاتی گردشگری و فرهنگی با کوالالمپور و بانکوک شامل برنامه‌ریزی برای پروازهای مستقیم بود و گردشگری به‌عنوان ابزاری برای رفع کلیشه‌ها و افزایش آشنایی فرهنگی معرفی شد (BBC Monitoring Asia Pacific, 2004). افزون بر این، تهران به دنبال ایجاد پیوندهای مالی بیشتر با منطقه بود و به‌ویژه بخش بانکداری اسلامی مالزی را فرصتی برای تسویه مبادلات و کاهش فشار تحریم‌های غرب می‌دید. هرچند این ابتکارات مالی محدود باقی ماند، اما نشان‌دهنده یک الگوی کلی بود: ایجاد شبکه‌ای متراکم اما متواضع در تجارت، انرژی، فرهنگ و تبادلات بانکی. مجموعه این اقدام‌ها نشان می‌دهد ایران در اوایل دهه ۲۰۰۰ به جای شتاب در کسب شراکت رسمی، در حال آماده‌سازی زیرساخت‌های تدریجی برای ادغام پایدارتر در جنوب شرق آسیا بود.

در آغاز هزاره جدید، رهبران آسه‌آن به‌طور کلی نگاه مثبتی به ایران داشتند و در جریان بودن مجموعه پیچیده‌ای از پروژه‌ها و توافقات نشان داد که تهران به‌عنوان یک بازیگر در فضای اقتصادی جنوب شرق آسیا پذیرفته شده است. با این حال، این پذیرش بی‌قیدوشرط نبود. نگرانی‌های پیشین نخبگان آسه‌آن حول چند محور متمرکز بود: احتمال ارتباط ایران با جنبش‌های جدایی‌طلب مسلمان (بروجردی، ۱۳۸۱: ۱۹۴)، بیم از صدور ایدئولوژی شیعی انقلابی، تردید نسبت به پایداری فضای سیاسی اصلاح‌طلبانه در ایران و دغدغه‌های مرتبط با همکاری‌های نظامی-هسته‌ای ایران با کره شمالی و چین. اتهام‌هایی درباره حمایت ایران از گروه‌هایی همچون سازمان آزادی‌بخش متحد پاتانی در تایلند^۱، جنبش آچه آزاد در اندونزی^۲ یا جبهه ملی آزادی‌بخش مورو در فیلیپین^۳ در دهه‌های پیشین بر این حساسیت‌ها افزود، هرچند شواهد مستند از اواخر دهه ۱۹۹۰ نشان‌دهنده آن است که از دیدگاه دولت‌های آسه‌آن، ایران در آن زمان به حمایت‌های ادعایی پایان داده و به تدریج مواضع خود را بر پایه عدم‌مداخله و حمایت از راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز بازتعریف کرد (Pisan, 2010).

دیپلماسی فرهنگی نیز به‌ویژه در دوران خاتمی تغییر مسیر یافت. فعالیت‌های مذهبی ایران در مالزی و اندونزی که پیشتر به‌عنوان تبلیغ انقلابی دیده می‌شد، جای خود را به گفتمان گفت‌وگوی تمدن‌ها، تبادل علمی و احترام به حاکمیت ملی داد. به نظر می‌رسد، این تغییر رویکرد نگرانی‌های سیاستمداران آسه‌آن را تا حدی کاهش داد، هرچند حساسیت‌های داخلی در برخی کشورها باقی ماند. در سطح امنیت منطقه‌ای، پیوندهای احتمالی ایران با کره شمالی و چین به موضوع تکثیر تسلیحات اتمی نسبت داده شد (Klintworth, 1998) و در نشست‌های آسه‌آن با شرکای خارجی خود مطرح شد، اما فشارهای آمریکا بر پکن برای توقف انتقال فناوری بخشی از نگرانی‌های آسه‌آن

1. Patani United Liberation Organization

2. Free Aceh Movement

3. Moro National Liberation Front

را فرو نماند. پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نیز تمرکز آسه‌آن بر تروریسم سنی فراملی بود و ایران در معادلات آسه‌آن، یک تهدید مستقیم تلقی نشد. در حوزه مواد مخدر، تلاش‌های ایران برای مهار قاچاق مواد مخدر از مسیر «هلال طلایی»^۱ بخشی از بدبینی‌های آسه‌آن را کاهش داد.

در عین حال، آسه‌آن مزایای راهبردی تعامل با ایران را جدی گرفت. ایران به‌عنوان منبع انرژی پایدار و تنوع‌بخش سبد وارداتی منطقه دیده می‌شد و می‌توانست اهرم قیمتی و امنیت عرضه ایجاد کند. همچنین، زیرساخت‌های بندری و زمینی ایران فرصتی برای دسترسی به بازارهای آسیای مرکزی و قفقاز فراهم می‌کرد. اگرچه درخواست ایران برای شراکت بخشی در ۱۹۹۹ به دلیل سیاست تعلیق گسترش روابط خارجی توسط آسه‌آن به بن‌بست خورد، تهران راهبردی عمل‌گرایانه در پیش گرفت: تعمیق پروژه‌های دوجانبه، پیگیری مبادلات کشاورزی، گسترش خطوط کشتیرانی از طریق پورت کلانگ، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های قشم و بندرعباس و پیوندهای مالی-فرهنگی با آسه‌آن. با وجود تحولات داخلی در اندونزی، تایلند و فیلیپین تا سال ۲۰۰۵ نتیجه تمام اقدام‌ها، سطحی از وابستگی متقابل بود؛ وابستگی‌ای که علی‌رغم نقایص آن، باعث تثبیت جایگاه ایران در معادلات آسه‌آن شد، هرچند ارتقا به سطح نهادی رسمی به آینده موکول شد.

فرجام سخن

در این مقاله نویسنده استدلال می‌کند که افزایش ناگهانی تعاملات میان ایران و کشورهای عضو آسه‌آن در سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۵ نباید به‌عنوان مواردی پراکنده در

۱. «هلال طلایی» (Golden Crescent) اصطلاحی است که به منطقه‌ای شامل افغانستان، پاکستان و ایران اطلاق می‌شود که از مهم‌ترین مناطق تولید و مسیرهای ترانزیت مواد مخدر، به‌ویژه تریاک و مشتقات آن، در جهان به شمار می‌رود.

روابط ایران و کشورهای جنوب شرق آسیا دیده شوند، بلکه باید آن‌ها را جزئی از یک پروژه راهبردی بلندمدت دانست که هدف آن تثبیت جای پا و حضور ساختاری ایران در جنوب شرق آسیا و همکاری با رهبران کشورهای آسه‌آن بود. این تلاش‌ها از سوی دستگاه سیاست خارجی ایران باید به صورت کلان و یکپارچه موردتوجه قرار گیرند و نویسنده پیشنهاد می‌دهد مجموع این پروژه‌ها اولین تلاش برای ایجاد «کریدور ایران-آسه‌آن» نامیده شود. این نام‌گذاری به دلیل مقیاس بزرگ و اهمیت راهبردی طرح‌ها و ابتکارهایی است که در این دوره معرفی و پیگیری شد و نیز به این دلیل که نشان می‌دهد پروژه‌های انرژی، لجستیک و کشتیرانی در عمل به صورت یک بسته مکمل به پیش می‌رفتند، نه مجموعه‌ای از ابتکارهای جدا از هم.

با این حال، همان‌گونه که این مقاله بررسی کرد، این ابتکار بلندپروازانه در عمل با موانعی جدی روبه‌رو شد. بحران مالی شرق آسیا و تصمیم آسه‌آن به اعمال سیاست تعلیق موقت گسترش روابط خارجی مانع از تحقق درخواست ایران برای دستیابی به جایگاه «شریک گفت‌وگوی بخشی» در سال ۱۹۹۹ شد. در کنار این عامل، فشارهای بیرونی و ملاحظات ناشی از تحریم‌های آمریکا نیز در کندشدن یا توقف برخی ابتکارها نقش داشت و در برخی کشورها، محدودیت‌های داخلی و بی‌ثباتی سیاسی امکان تبدیل روابط حسنه سیاسی به روابط همه‌جانبه اقتصادی را کاهش داد. به هر حال، ایران کوشید برخی دغدغه‌های آسه‌آن را برطرف کند: از جمله کاستن از نگرانی‌ها نسبت به صدور ایدئولوژی انقلابی و فعالیت‌های مذهبی، بازتعریف سیاست خود بر پایه اصل عدم‌مداخله، همکاری در حوزه مبارزه با مواد مخدر و تأکید بر همسویی با اصول بنیادین آسه‌آن مانند احترام به حاکمیت ملی و حل مسالمت‌آمیز منازعات. این اقدام‌ها باعث شد که در کنار پروژه‌های انرژی، کشتیرانی و پالایشگاهی، سطحی از اعتماد و وابستگی متقابل میان دو طرف ایجاد شود؛ بنابراین، این دوره را باید نخستین گام جدی ایران در مسیر حضور ساختاری در آسه‌آن دانست؛ گامی که اگرچه به نهادهای سازی کامل نینجامید، اما چارچوب و چشم‌اندازی تازه برای روابط ایران و آسه‌آن فراهم آورد

و نشان داد گذار از پروژه‌های پراکنده به همکاری نهادی، نیازمند هم‌زمانی ظرفیت نهادی آسه‌آن، امکان‌پذیری اقتصادی و تداوم سیاسی در پیگیری ابتکارهاست.

تعارض منافع: این مقاله مشمول هیچ‌گونه تعارض منافع نیست.

اصول اخلاقی: نویسندگان مقاله، تمام مسائل اخلاق در پژوهش را که شامل پرهیز از سرقت ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک‌بار مقاله، تکرار پژوهش‌های دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شوندگان است، رعایت کرده‌اند. تالیف این مقاله به هوش مصنوعی داده نشده است.

منابع

- بروجردی، محمد. (۱۳۸۱). *زمینه‌ها و موانع همکاری جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه ملل جنوب شرق آسیا (آسه‌آن)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه.
- بیگی، محمد باقر. (۱۳۷۵). چشم‌انداز وضعیت عمومی منطقه جنوب شرقی آسیا و آسه‌آن تا سال ۲۰۰۰. *رویدادها و تحلیل‌ها*، ۱۰۱.
- خوش هیکل آزاد، محمد. (۱۳۹۷). *پیوندهای تاریخی-فرهنگی ایران و جنوب شرقی آسیا: واژه‌های فارسی دخیل در زبان ملایو. فصلنامه مطالعات روابط فرهنگی بین‌المللی*، ۴(۶)، ۱۴۴-۱۱۷.
- سازمند، بهاره، ارغوانی پیرسلامی، فریبرز (۱۳۹۱). چین و چالش «تصور تهدید» در جنوب شرق آسیا، *فصلنامه سیاست*، ۴۲(۳)، ۱۸۴-۱۶۵.
- سلطانی نژاد، محمد. (۱۳۹۴). مناسبات ایران و کشورهای جنوب شرق آسیا (۱۳۹۲ - ۱۳۸۱): سنجش نگاه به شرق. *فصلنامه روابط خارجی*، ۷(۳)، ۷-۳۱.
- قربانی شیخ‌نشین، ارسلان و حداد زند، شیرین. (۱۴۰۲). جنگ تجاری چین و ایالات متحده آمریکا و پیامد آن بر کشورهای جنوب شرق آسیا؛ مطالعه موردی ویتنام و تایوان. *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۱۴(۳)، ۲۰۱-۲۲۸.
- مرکز اسناد آیت‌الله هاشمی رفسنجانی. (۱۳۶۳)، ۲۵ خرداد / ۱۹۸۴، ۱۵ ژوئن). نماز جمعه تهران به امامت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی. دفتر نشر معارف انقلاب. بازیابی از: <https://rafsanjani.ir/records> نماز-جمعه-تهران-به-امامت-آیت-الله-هاشمی-رفسنجانی-

مرکز اسناد آیت‌الله هاشمی رفسنجانی. (۱۳۷۱، ۱۳ شهریور / ۱۹۹۲، ۴ سپتامبر). خاطرات روزانه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، جمعه ۱۳ شهریور ۱۳۷۱، کتاب رونق سازندگی. دفتر نشر معارف انقلاب. بازیابی از: <https://rafsanjani.ir/records> /خاطرات-روزانه-آیت-الله-هاشمی-رفسنجانی-سال ۱۳۷۱-کتاب-رونق-سازندگی-۱۶۵

مرکز اسناد آیت‌الله هاشمی رفسنجانی. (۱۳۷۳، ۱۲ اردیبهشت / ۱۹۹۴، ۲ مه). خاطرات روزانه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، دوشنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۷۳، کتاب صبر و پیروزی. دفتر نشر معارف انقلاب. بازیابی از: <https://rafsanjani.ir/records/> :خاطرات-روزانه-آیت-الله-هاشمی-رفسنجانی-سال ۱۳۷۳-کتاب-صبر-و-پیروزی-۴۱

مرکز اسناد آیت‌الله هاشمی رفسنجانی. (۱۳۷۳، ۲۰ اسفند / ۱۹۹۵، ۱۱ مارس). مصاحبه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با رئیس‌جمهور فیلیپین در تهران. دفتر نشر معارف انقلاب. بازیابی از: <https://rafsanjani.ir/records/> مصاحبه-آیت-الله-هاشمی-رفسنجانی-با-رئیس-جمهور-فیلیپین-در-تهران

مهمان‌پرست، رامین و خلیلی پالندی، فرشته. (۱۳۹۹). *خاطرات یک سفیر: تجربه دیپلماسی تجاری ایران در کشورهای لهستان، تایلند و قزاقستان*. تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی. نصیری، هاشم. (۱۳۷۵). پاکستان و منطقه جنوب شرقی آسیا. *رویدادها و تحلیل‌ها*، ۱۰۷. ولایتی: اروپایی‌ها باید از آمریکایی‌ها درس بگیرند. (۱۹۹۷، ۱ مه / ۱۳۷۶، ۱۱ اردیبهشت). *جمهوری اسلامی*.

هاشمی نیک، عبدالعظیم. (۱۳۷۵). *گزارش نمونه‌ای از آخرین اجلاس‌های بین‌المللی مطالعات منطقه‌ای در جنوب شرق آسیا و ضرورت حضور جمهوری اسلامی ایران*. رساله برای احراز مقام رایزنی درجه ۳.

References

- Albright, M. (1998). Statement on 'Iran and Libya Sanctions Act (ILSA): Decision in the South Pars Case. London, United Kingdom. May 18. The U.S. State Department. <https://1997-2001.state.gov/statements/1998/980518.html>.
- Ang, C. G. 2019. *Southeast Asia After the Cold War: A Contemporary History*. NUS Press. <https://doi.org/10.2307/j.ctv136c5xh>.
- ASEAN Secretariat. (1999). Report of The 5th Meeting of The 32nd ASEAN Standing Committee.

- Ashayagachat, A. (2002, April 24). Iran makes a pitch for more Thai business. *Knight-Ridder Tribune Business News*.
<https://www.proquest.com/wire-feeds/iran-makes-pitch-more-thai-business/docview/462127365/se-2>
- Asian Wall Street Journal. (1997, June 26). Philippines, Iran negotiate oil-refinery plan. <https://www.proquest.com/newspapers/philippines-iran-negotiate-oil-refinery-plan/docview/315619068/se-2>
- Ayatollah Hashemi Rafsanjani Documentation Center. (1984, June 15). Friday Prayer in Tehran Led by Ayatollah Hashemi Rafsanjani. Office for the Publication of Revolutionary Teachings. Retrieved from <https://rafsanjani.ir/records/>- نماز جمعه-تهران-به-امامت-آیت-الله-هاشمی-رفسنجانی
 ۲۰/۸۵ [in Persian]
- Ayatollah Hashemi Rafsanjani Documentation Center. (1992, September 4). Daily Memoirs of Ayatollah Hashemi Rafsanjani, Friday, 4 September 1992, from the Book *Prosperity of Reconstruction*. Office for the Publication of Revolutionary Teachings. Retrieved from <https://rafsanjani.ir/records/>- خاطرات-روزانه-آیت-الله-هاشمی-رفسنجانی-سال ۱۳۷۱
 ۱۶۵ [in Persian]
- Ayatollah Hashemi Rafsanjani Documentation Center. (1994, May 1). Daily Memoirs of Ayatollah Hashemi Rafsanjani, Sunday, 1 May 1994, from the Book *Patience and Victory*. Office for the Publication of Revolutionary Teachings. Retrieved from <https://rafsanjani.ir/records/>- خاطرات-روزانه-آیت-الله-هاشمی-رفسنجانی-سال ۱۳۷۳
 ۴۱ [in Persian]
- Ayatollah Hashemi Rafsanjani Documentation Center. (1994, May 2). Daily Memoirs of Ayatollah Hashemi Rafsanjani, Monday, 2 May 1994, from the Book *Patience and Victory*. Office for the Publication of Revolutionary Teachings. Retrieved from <https://rafsanjani.ir/records/>- خاطرات-روزانه-آیت-الله-هاشمی-رفسنجانی-سال ۱۳۷۳
 ۴۱ [in Persian]
- Ayatollah Hashemi Rafsanjani Documentation Center. (1995, March 11). Interview of Ayatollah Hashemi Rafsanjani with the President of the Philippines in Tehran. Office for the Publication of Revolutionary Teachings. Retrieved from <https://rafsanjani.ir/records/>- مصاحبه-آیت-الله-هاشمی-رفسنجانی-با-رئیس-جمهور-فیلیپین-در-تهران
 [in Persian]

- Baharuddin, N. M. (1997, November 10). Malaysia will not bow to US pressure over Iran project. *New Straits Times*. <https://www.proquest.com/newspapers/malaysia-will-not-bow-us-pressure-overiran/docview/269150636/se-2>
- BBC Monitoring Asia Pacific. (2004, October 16). Iran, Malaysia to enhance cultural ties. *BBC*. <https://www.proquest.com/wire-feeds/iran-malaysia-enhance-culturalities/docview/461067209/se-2>
- BBC Monitoring Middle East. (1999, October 5). Iran to launch satellite with help from Russia, South Korea, Thailand, Pakistan. *BBC*. <https://www.proquest.com/wire-feeds/iran-launch-satellite-with-help-russia-skorea/docview/451048120/se-2>
- BBC Monitoring Middle East. (2002, July 30). Iranian president addresses businessmen in Kuala Lumpur. *BBC*. <https://www.proquest.com/wire-feeds/iranian-president-addresses-businessmenkuala/docview/451387736/se-2>
- Beigi, M. B. (1996). Prospects for the General Situation of Southeast Asia and ASEAN up to the Year 2000. *Events and Analyses*, 101. [in Persian]
- Boroujerdi, M. (2002). *The Foundations and Obstacles to Cooperation Between the Islamic Republic of Iran and the Association of Southeast Asian Nations (ASEAN)*. Master's Thesis, Faculty of International Relations, Ministry of Foreign Affairs. [in Persian]
- Calabrese, John. 2016. "Iran's Economic Outreach to Southeast Asia - Middle East Institute." Middle East Institute. November 15, 2016. <https://mei.edu/publication/irans-economic-outreach-southeast-asia/>.
- Choksy, J. K., & Nematollahi, N. (2018). The Middle Persian Inscription from a Shipwreck in Thailand: Merchants, Containers, and Commodities. *DABIR*, 6(1), 144–150. <https://doi.org/10.1163/29497833-00601014>
- Durairaj, G. (2000, February 28). Malaysia, Iran in joint-venture deal Port Klang Authority to develop distribution centre in Bandar Abbas. *New Straits Times-Google Books*. https://books.google.com/books?id=51RIAAAIBAJ&pg=PA13&dq=iran+%22New+Straits+Times%22OR%22The+Nation%22+indonesia&article_id=6617,3460428&hl=en&sa=X&ved=2ahUKEwjfc6uya2MAxWRIDQIHRbZKg8Q6AF6BAGKEAM#v=onepage&q=iran%20%22New%20Straits%20Times%22OR%22The%20Nation%22%20indonesia&f=false
- Fereydoun, H. (2000, February 11). Iran seeks greater trade relations. *Business Times* (Kuala Lumpur), p. 4. New Straits Times Press (M) Berhad. Available from ProQuest.
- Ghorbani Sheikhneshin, A. and Haddad Zand, S. (2023). The trade war between China and the United States and its consequences on Southeast Asian countries: a case study of Vietnam and Taiwan. *Political and*

- International Approaches*, 14(3), 201-228. doi: 10.48308/piaj.2023.229624.1316 [in Persian]
- Guillot, C. (2020). Persia and the Malay World: Commercial and Intellectual Exchanges. *Studia Islamika* 27 (3).
- Hashemi Nik, A. (1996). *A Report on Selected Recent International Conferences on Regional Studies in Southeast Asia and the Necessity of the Presence of the Islamic Republic of Iran*. Thesis Submitted for Attainment of Grade III Counsellor Rank. [in Persian]
- Khosh-Heykal Azad, M. (2018). Historical-Cultural Ties Between Iran and Southeast Asia: Persian Loanwords in the Malay Language. *Quarterly Journal of International Cultural Relations Studies*, 4(6). [in Persian]
- Klintworth, G. (1998, September 3). North Korea: Down but by no means out. *The Straits Times*. <https://eresources.nlb.gov.sg/newspapers/digitised/article/straitstimes19980903-1.2.48.4>
- Lim, W. (1997a, May 2). Iran looks east. *The New Paper*. <https://eresources.nlb.gov.sg/newspapers/digitised/page/newspaper19970502-1.1.22>
- Lim, W. (1997b, August 8). Govt sees more scope for trade between KL, Teheran. *Business Times*. <https://www.proquest.com/internationalnews1/newspapers/govt-sees-more-scope-trade-between-kl-teheran/docview/266792404/sem-2>
- Marcinkowski, M. I. (2002). The Iranian-Siamese connection: an Iranian community in the Thai kingdom of Ayutthaya. *Iranian Studies*, 35(1-3), 23-46. <https://doi.org/10.1080/00210860208702010>
- Mehmanparast, R., & Khalili Palandi, F. (2020). *Memoirs of an ambassador: The experience of Iran's commercial diplomacy in Poland, Thailand, and Kazakhstan* [in Persian]. Commercial Publishing Company.
- Ministry of Foreign Affairs of the People's Republic of China. (2002, June 5). *Joint communiqué between the People's Republic of China and the Islamic Republic of Iran*. https://www.fmprc.gov.cn/eng/zy/gb/202405/t20240531_11367125.html
- Musa, M. F., & Tan, B. H. (2017). State-backed discrimination against Shia Muslims in Malaysia. *Critical Asian Studies*, 49(3), 308-329. <https://doi.org/10.1080/14672715.2017.1335848>
- Nasiri, H. (1996). Pakistan and the Southeast Asian Region. *Events and Analyses*, 107. [in Persian]
- OANA News. (2009, June 22). Signing of accord to form Banten Bay refinery firm. <https://www.oananews.org/node/67126>

- Oil Daily. (2004, August 31). PTTEP targets Iran, Libya. Oil Daily. <https://www.proquest.com/trade-journals/pttep-targets-iran-libya/docview/199086820/se-2>
- Pisan. (2010, January 12). An exclusive interview with the new PULO leader. ISRA News Agency. <https://www.isranews.org/content-page/item/2002-an-exclusive-interview-with-the-new-pulo-leader.html>
- Recknagel, C. (2002, April 25). Iran: Khatami tours Central Asia to press for Iran energy routes, lower U.S. presence. Radio Free Europe/Radio Liberty. <https://www.rferl.org/a/1099518.html>
- Reuters. (1998, May 20). More US waivers of Iran sanctions for EU firms. The Straits Times. <https://eresources.nlb.gov.sg/newspapers/digitised/article/straitstimes19980520-1.2.21.9>
- Sazmand, B. and Arghavani Pirsalami, F. (2012). China and the Challenge of "Threat Perception" in Southeast Asia. *Politics Quarterly*, 42(3), 165-184. doi: 10.22059/jpq.2012.29993 [in Persian]
- Sedgley, Zuleika. (2012). 'Tension in the Asia-Pacific: Iranian-Malaysian Relations and the West.' Rusi.org. 2026. <https://www.rusi.org/publication/tension-asia-pacific-iranian-malaysian-relations-and-west>
- Soltaninejad, M. (2015). Relations Between Iran and the Countries of Southeast Asia (2002–2013): Assessing the Look East Policy. *Foreign Relations Quarterly*, 7(3). doi: <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.20085419.1394.7.3.3.4> [in Persian]
- Soltaninejad, M. (2017). Iran and Southeast Asia: An analysis of Iran's policy of "Look to the East." *International Journal of Asia Pacific Studies* 13 (1): 29–49. doi: <http://dx.doi.org/10.21315/ijaps2017.13.1.2>
- Tehran Times. (1998, November 23). Irano-Thailand joint ventures for oil refinery, fertiliser plant under consideration—Iran is a pillar of stability in region. Tehran Times. <https://www.tehrantimes.com/news/21617/Irano-Thailand-Joint-Ventures-for-Oil-Refinery-Fertilizer-Plant>
- The Nation. (1997, April 19). Iran seeks better ties with Thailand, region. The Nation. <https://books.google.at/books?id=4tQtAAAIBAJ&printsec=frontcover#v=onepage&q&f=false>
- Velayati: Europeans Should Learn from the Americans. (1997, May 1). *Jomhuri-ye Eslami*. [in Persian]
- Vltchek, A. (2009). Jihad, orthodox Islam and religious intolerance in Indonesia. *Asia-Pacific Journal*, 7(7), e2. <https://doi.org/10.1017/S1557466009023420>

Xinhua News Agency. (2000, May 3). Thailand to deliver rice to Iran.
<https://www.proquest.com/wire-feeds/thailand-deliver-riceiran/docview/454061864/se-2>